

ضرورت تدوین بسته جامع مدیریت واردات

امین مالکی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

دنیای اقتصاد

هر چند ساختار تقسیم کار عمودی بین‌المللی، آنگونه که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ با تشکیل زنجیره‌های عرضه جهانی شکل گرفته بود، پس از بحران مالی ۲۰۱۰ به شکل اساسی با اتخاذ سیاست‌های حمایتی شدید در واردات از سوی قدرت‌های اقتصاد جهانی، دگرگون شد (به عنوان مثال سهم اقلام وارداتی در صادرات چین که اواسط دهه ۱۹۹۰ حدود ۶۰ درصد بود، در حال حاضر به کمتر از ۳۵ درصد رسیده)، اما کماکان می‌توان چنین ادعا نمود که هیچ کشوری بدون واردات متنوع، رقابتی و با کیفیت و برخوردار از ترکیب متناسب، امکان رشد صادرات ندارد. لذا در حال حاضر که بسته حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی ارائه شده، بیش از هر زمان دیگری ضرورت تدوین بسته مدیریت واردات نیز حس می‌شود. نگاهی به تحولات واردات طی یک دهه گذشته و به ویژه اتفاقات مثبت پس از مذاکرات و توافقات اخیر برجام، نشان می‌دهد که دولت از ظرفیت بالایی در مدیریت ترکیب، مسیر و هزینه‌های واردات برخوردار است که باید به منظور کاهش هزینه‌ها و اصلاح ساختار وارداتی از حداکثر این ظرفیت‌ها بهره‌برداری کند.

تحریم‌های بین‌المللی و برخی تحولات اقتصادی و تجاری منطقه‌ای باعث شد تا مناطق راهبردی و کشورهای مطمئن در تامین تراز کالایی صنعتی و کشاورزی کشور نقش کم‌رنگی یافته، واردات از منطقه راهبردی آسیای جنوب‌غربی دور شده و در فرآیندهای اقتصادی، به ویژه در نتیجه توسعه هاب‌های منطقه‌ای، از مسیر مستقیم به سمت مسیر غیرمستقیم انحراف یابد که هزینه‌های دلالی، واسطه‌گری، بانکی و حمل و نقل بیشتری دارد. خوشبختانه روندهای سال ۱۳۹۴ و شرایط پس از برجام نشانه‌های مثبتی را در اصلاح این روند از خود نشان می‌دهد. بررسی داده‌های یک دهه اخیر واردات نشان می‌دهد که واردات نیز همانند صادرات غیرنفتی، به لحاظ مبادی طی یک دهه اخیر دچار افزایش تمرکز شدیدی شده است. در پایان سال ۱۳۹۴ سهم ده کشور اول صادرکننده به ایران به لحاظ وزنی و به لحاظ دلاری سیر صعودی داشته است، به این معنی که از تعداد مبادی واردات اصلی به میزان زیادی

کاسته شده است. در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۸۴ درصد واردات وزنی مربوط به ۱۰ کشور اول بود که این نسبت برای واردات دلاری به ۸۲ درصد می‌رسد. نسبت‌های فوق به ترتیب در سال ۱۳۸۵ برابر با ۶۶ و ۷۰ درصد بودند. هر چند نسبت به ابتدای دهه وضعیت تنوع‌پذیری مبادی مناسب نیست، با این وجود نسبت به سال گذشته پیشرفت قابل توجه‌ای مشاهده می‌شود. با شروع تحریم‌ها میزان تنوع‌پذیری مبادی وارداتی به شدت کاسته شده و از سال ۱۳۹۳ با پایان یافتن تحریم‌ها بهبود نسبی قابل توجه‌ای در این زمینه مشاهده می‌شود.

با شروع تحریم‌ها میزان واردات از اروپا روند کاهشی خود را آغاز نموده و جانشین-سازی کشورهای آسیایی، حداقل به عنوان کشور واسط سوم، افزایش یافت، به گونه‌ای که در انتهای سال ۱۳۹۴ میزان واردات از اروپا نصف عدد سال ۱۳۸۹ است. ساختار وارداتی ایران به لحاظ منطقه‌ای ساختار ویژه‌ای است. همواره رقابت بین دو منطقه آسیای جنوب غربی (کشورهای همسایه و همجوار) و آسیای شرقی برای در اختیار گرفتن بازار ایران وجود داشته و کشورهای اروپایی با توجه به نوع اقلام صادراتی به ایران اصولاً در این رقابت شرکت نکرده، همواره رتبه سوم را طی یک دهه گذشته به خود اختصاص داده‌اند. منطقه آسیای شرقی بالاخره در سال ۱۳۹۳ توانست جایگاه نخست را به دست آورده و منطقه آسیای جنوب غربی را (که به لحاظ مسافت و راهبردهای مشترک منطقه‌ای از اولویت بالاتری برخوردار بوده و در سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم و اقتصاد مقاومتی نیز بر ضرورت توسعه روابط با آن تاکید شده)، به رتبه دوم بفرستد. بهبود جایگاه چین و هند در منطقه آسیا و کاهش سطح ارتباطات تجاری با دیگر کشورهای مهم در مناطق مختلف جغرافیایی از جمله آسیای جنوب غربی، مهمترین الگوی قابل مشاهده در تغییر مبادی واردات است. فاصله گرفتن از دو منطقه آسیای جنوب غربی و اروپا به لحاظ کیفیت و هزینه واردات اثرگذاری منفی داشته است.

به لحاظ ارزش دلاری همواره بیش از ۵۰ درصد و به لحاظ ارزش وزنی همواره بیش از ۷۰ درصد واردات کشور را، طی یک دهه گذشته، اقلام واسطه‌ای تشکیل داده‌اند. از سال ۱۳۹۰ به این سو، واردات هر سه قلم کالای واسطه‌ای، مصرفی و سرمایه‌ای به کشور کاهش داشته است. اگرچه این مهم در خصوص اقلام مصرفی می‌تواند تا حدودی نمایش جایگزینی واردات و اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه باشد، اما در خصوص اقلام واسطه‌ای و سرمایه‌ای نشان از رکود بخش صنعت دارد. طی دهه اخیر در ایران، واردات اقلام واسطه‌ای ابتدا از

منطقه اروپای غربی به سمت منطقه مجاور آسیای جنوب غربی رفت که عموماً نشان‌دهنده ایجاد هاب‌های صادرات مجدد به ویژه توسعه امکانات صادرات مجدد در کشور امارات است، اما در نیمه دهه در نتیجه تحریم‌ها و ضرورت جانشین‌سازی برخی اقلام فاقد امکان واردات، واردات واسطه‌ای از منطقه آسیای جنوب غربی به سمت منطقه آسیای شرقی رفته است. هر دوی این فرآیندها و حرکت از واردات مستقیم به غیرمستقیم، در نتیجه افزایش هزینه‌های غیررسمی دلالی و رسمی واسطه‌گری و بانکی، هزینه‌بر بوده است. در نیمه دوم دهه اخیر (بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴) که ابتدای آن همراه با شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی بوده، رشد مثبت حجمی و رشد منفی قیمتی مشاهده می‌شود، که با توجه به روند افزایشی قیمت اقلام واسطه‌ای طی دهه، رشد منفی قیمتی نشان از بهبود سیاست‌های مکمل تجاری در حوزه سیاسی و بانکی است و نقش مثبت مذاکرات و توافقات اخیر را نمایش می‌دهد.

به هر روی، در حال حاضر بیش از هر زمان دیگری ضرورت تدوین و اجرای بسته مدیریت واردات جهت اصلاح ترکیب، مسیر و هزینه‌های واردات احساس می‌شود. نخستین تلاش‌ها در این راستا در تیرماه سال ۱۳۹۱ با تصویب «سند راهبرد ملی واردات» به انجام رسید که هیچگاه به مرحله اجرا نرسید. در حال حاضر با تأکیدات دولت بر اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، از اردیبهشت‌ماه سال جاری وزارت صنعت معدن تجارت در قالب طرح «ارتقای رقابت‌پذیری واحدهای تولیدی کوچک و متوسط» به دنبال توسعه صادرات غیرنفتی از جمله از طریق «مدیریت هدفمند واردات» است که البته این موضوع صرفاً می‌تواند یکی از اجزاء بسته جامع مدیریت واردات باشد. بسته جامع مدیریت واردات کشور، به شکل حداقلی، باید تعدد مراکز تصمیم‌گیری در امر تجارت خارجی را کاهش دهد، واردات فن‌آوری‌های نوین مرزی را تسهیل کند، رانت‌زدایی از تجارت خارجی را در اولویت قرار داده، الگوهای جدید مبادلات ارزی و کالایی را چاره‌اندیشی کرده، چالش‌های جدی ساختار موجود تعرفه را برطرف نموده، آسیب‌های واردات از محیط کسب و کار ناسالم را استخراج کند.